

بنام خداوند بخشنده مهربان

فوائد دنیائی نماز

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بطوریکه اغلب دوستان و آشنایان استحضار دارند اینجانب مدیرمجله تاریخ اسلام علی اکبر تشید در سال ۴۶ مریض و ناچار بمسافرت بلندن برای معالجه شدم و در همان هنگام مسافرت شماره ۱۴ مجله تاریخ اسلام منتشر گردید تمام رفا و نویسندگان استحضار دارند که مقصود ما از نشر مجله خدمت بمذهب شیعه و تاریخ ایران و ایرانیان است و از بدو انتشار همیشه مبالغ معتنا بهی ضرر داده ولی خوشوقت بوده و هشتم که طبق عقاید خود در هر شماره قدمی برداشته‌ام و همین قدر مراقبت میشود که طبق قانون مطبوعات امتیاز مجله باطل نشود تا چاپ هر نشریه محتاج به تشریفات خاص نباشد .

در شماره ۱۴ شرحی راجع بفائده نماز از کتاب طاق‌دیس مرحوم ملا احمد نراقی صاحب معراج السعادة نقل و خود نیز جملاتی را اضافه کرده بودم . نماز دخترهای خوب و ثروتمند و تربیت شده را نصیب جوانان متدین و مقید به نماز و روزه میکند .

نماز شوهران تحصیل کرده و ثروتمند و ماشین‌دار و محترم را بخواستگاری دختران علاقمند به تشکیل خانواده میفرستد و امور موفقیت آمیز دیگر بر همین مقیاس مثلاً اختلاف خانوادگی را رفع میکند و ترفیع درجات نظامی و اداری و نظایر آن را تأمین میکند. از قرار معلوم در همان تاریخ در یکی از مجلات معروف این مقاله انتقاد شده بوده که نباید امور دینی را بوسیله امور مادی تبلیغ کرد ولی چون من مریض

بوده‌ام و پسرانم که در امور مجله با من همکاری دارند نگذارده بودند که بنده مطلع شوم و شاید امور اهانت آمیزی هم نسبت به من داشته باشند با اینکه مقاله انتقادی‌ها را ندیده‌ام و طالب دیدن آن هم نیستم و اگر هم دیده‌بودم قطعاً جواب اهانت را نمیدادم ولی برای طرز تبلیغ خود دلائل و شواهدی ذکر میکنم که نویسنده منتقد هر کس هست اطلاعات خود را تکمیل نماید و به‌بیند که علماء بزرگ و اولیای اسلام و عد یعنی بشارت و وعید یعنی تخویف را با امور مادی که در خور فهم مردم بوده تبلیغ میکردند .

۱- مرحوم نراقی صاحب معراج السعادة که کتابی بی نظیر دینی و اخلاقی است در کتاب طاقدیس خود با شعر حکایتی نقل نموده و خلاصه آن چنین است که مرد فقیری در معبری بطور تصادف دختر پادشاهی را دید و دل‌باخته او شد و بهر کس از آشنایان خود عشق خود را اظهار کرد او را ملامت کردند که تو چه تناسبی با دختر پادشاه داری ولی عاشق دلسوخته آه سردی می‌کشید و بر اشتیاق خود میافزود تا اینکه یکی از علماء او را راهنمایی کرد و گفت با کمال سهولت بمطلب خود خواهی رسید و او را واداشت که در مسجد خرابه متروکی شروع بخواندن نماز کند و عاشق بیچاره تمام شبانه روز را مشغول نماز و در واقع توجه به نیاز داشت تا اینکه رفته رفته آوازه عبادت او در آن شهر منتشر و مردم باو ارادت پیدا کردند و قضیه بعرض سلطان و یا امیر پدر دختر رسید و میل کرد عابد را به‌بیند ولی وزیر او موفق نشد که عابد را راضی بملاقات شاه نماید و بالاخره شاه بدیدن این عابد عاشق رفت و قیافه او شاه را گرفت و بوزیر امر کرد که وسائلی فراهم کند تا عابد داماد شاه بشود زیرا در خواستگاری دخترش دو خانواده اشرافی باهم رقابت داشتند متحیر شده بود و مخلصی را جست و جو میکرد ولی عابد قبول نکرده و میگفت از عبادات خود باز خواهد ماند و بهتر تربیتی بود او را راضی کردند و در شب زفاف با جشن شاهانه وقتی یار مطلوب خود را در کنار خود دید از حجله عروس بیرون آمد و دستگاه سلطان جلو او گرفتند که بکجا میروی و این حرکت توهین بشاهزاده خانم و موجب عقاب تو

میشود گفت باید بمسجد محل عبادت خود بروم و دو رکعت نماز واقعی خوانده و سپس از این نعمت خداداد استفاده کنم زیرا تمام نمازهای من دروغ بوده حال که نماز دروغ چنین اثر و نتیجه‌ای دارد قبل از انجام يك نماز واقعی که نماز شکر محسوب میشود بحاجله نخواهم رفت .

آقای منتقد هر کس هست ببیند که چگونه نماز دروغ موجب چنین موفقیت بزرگ مادی شده است .

از این حد پارا بالاتر گذارده و بموجب احادیث مسلم عرض میکنم که خود حضرت پیغمبر اسلام صلوات اله علیه دین را با وعد و وعید دنیائی قابل فهم مردم تبلیغ میفرموده چنانکه از این حدیث شریف «انذرکم و انا النذیر العریان استفاده می‌شود .

شرح قضیه که در نزد مردم زمان که قبایل عرب بوده‌اند معلوم بوده و برای فارسی‌زبانان قابل استفاده نیست بشرح ذیل است .

معنی این خبر آن است که شمارا از بت پرستی و شرك میترا نام مثل ترساننده برهنه- قبایل عرب در محلهائی فرود آمده و خرگاه برپا میکرده‌اند که حتماً در نزدیکی کوه و یا تپه بلندی باشد و فوراً رؤسای قبیله يك دیده بآن انتخاب کرده و بیالای تپه و یا کوه میفرستادند تا مراقب باشد که اگر بقبیله حمله شد و برای غارت بآنان هجوم آوردند فوراً قبیله را مستحضر کند این نگهبان گاهی غفلت میکرده و خطر مهاجمین نزدیک میشده بعدی که نه صدای نگهبان بقبیله میرسیده که با صدا اعلام خطر کند و نه می‌توانسته خود را بقبیله برساند زیرا سواران غارتگر زودتر از او به قبیله میرسیدند در چنین موردی بطور قراردادی مقرر داشته بودند که نگهبان فوراً برهنه شود و بمجرد دیدن برهنگی او قبیله اش مطلب را درک کرده و فوراً برای دفاع مجهز میشدند پیغمبر اسلام وعده بهشت میداد چون کسی از بهشت نیامده بود و در خور فهم آنان نبود و وعید جهنم میداد که کسی عقوبت شده از جهنم فرار نکرده بود تا بفهمند در جهنم چه میگذرد آنان یعنی اعراب بدوی عقوبتشان غارت شدن

اموال و اسارت زنها و دخترانشان بود و لذت و حظشان در دفاع از مهاجمین بوده است لذا حضرت پیغمبر اسلام صلوات اله علیه که اعقل مردم بود با امور مادی تبلیغ کرده یعنی ترسانیده به ازدست رفتن اموال و خانواده- و باحفاظت آنها بوسیله دفاع خلاصه آنکه میفرموده اگر به حرفهای من گوش ندهید و بت پرستی و شرك را ترك نکنید و خداپرست نشوید همان طور که اگر اعراب بتبلیغ نذیر عریان گوش نمی- دادند چند دقیقه بعد فاقد همه چیز میشدند شما هم بعد از مردن فاقد همه چیز هستید بنده استدعا دارم هر کس خواست راجع باین مقاله مطلبی بنویسد سعی کند خودش یا بامراجعه باهل فن قبلاً مقصود بنده را دانسته و سپس در مقام انتقاد بر آید .

سلام بر تمام طالبان هدایت

علی اکبر تشید

اطلاع لازم

دوره سوم مجله تاریخ اسلام که از سال ۱۳۳۹ شروع شده منظمأ انتشار یافته است- و برای مشترکین سابق که بنظر روزنامه و اخبار بدین مجله نمی نگرند و مقالات آن را بمنزله کتاب مفید برای افراد خانواده خود قرائت بلکه تدریس مینمایند بموقع فرستاده شده نهایت چند مرتبه هر شماره يك کتاب کامل بوده و هر جلد بجای چند شماره محسوب شده است - در نشر مجله چون نظر مادی نداشته و مقصود خدمت بمذهب و ایران است داعی به یافتن دروغ و درج مطالب جالب توجه جوانان نیست و از پنج سال قبل بهیچ وجه تقاضاهای اشتراك را قبول ننموده و طالبین را بخريد تك شماره احاله کرده ایم- که در مقابل حوادث محتمله اشتغال ذمه ای بکسی نداشته باشیم.

دفتر مجله تاریخ اسلام